

سن ازدواج؛ عوامل افزایش و راهبردهای کاهش آن (قسمت دوم)



سن ازدواج؛ عوامل افزایش و راهبردهای کاهش آن

(قسمت دوم)

عوامل و راهبردهای کاهش سن ازدواج

برای مبارزه با معضل اجتماعی بالا بودن سن ازدواج، راه‌حلهای زیادی وجود دارد که کمابیش از

گذشته مطرح بوده. به نظر می‌رسد دیر زمان دادن راه حل تمام شده و باید در مسیر عملی ساختن این راه حل‌ها قدم برداشت. تنها راه‌هایی از این مشکل آن است که ملت‌ها و دولت‌ها دست به دست هم دهند و با برنامه‌ریزی‌های کلان فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، سعی در رفع این مشکل بزرگ داشته باشند. شاید نقطه آغازین و در عین حال، بسیار مهم حل مشکل این باشد که ابتدا سعی کنیم تفکر و شناخت جوانان را عوض کنیم و آنان را از مادی‌گرایی و سطحی‌نگری، به معنویت و توجه خدا و دین باوری، سوق دهیم. حال با توجه به عوامل افزایش سن ازدواج - که ابتدای مقاله بررسی شد - راهبردها و عوامل کاهش سن ازدواج نیز در همان غالب مطرح می‌شوند:

الف. راهبردهای فرهنگی

همان‌گونه که گفته شد، تغییر نگرش‌ها و شناخت‌های افراد کمک زیادی به تغییر رفتار آنان می‌کند، و هر تغییری بدون داشتن زیر ساخت‌های فکری محکم، دوامی نخواهد داشت. وظیفه مهم متصدیان امور فرهنگی مثل حوزه، دانشگاه، رادلو و تلویزیون، مطبوعات، هنر و مانند آن، این است که در این زمینه، برنامه‌ریزی جدی داشته باشند. کارهایی که می‌توان در این زمینه انجام داد، عبارتند از:

1. ارزش دانستن تأهل:

اگر تأهل و همسر داشتن به عنوان يك ارزش، و تجرد ضد ارزش تلقی شود، همان‌گونه که در روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) آمده است، کمک زیادی به تغییر نگرش افراد نسبت به سن ازدواج می‌شود. (بحارالانوار، ج 100، ص 218 - 225) لازمه این کار آن است که فرهنگ دینی در ازدواج، جایگزین فرهنگ مادی گردد و نگرش جوانان ما به ازدواج همان نگرش اولیای دین باشد که به آن به عنوان وسیله‌ای برای نزدیک شدن به خدا نگاه می‌کردند. (رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نظر امام علی (علیه‌السلام) را درباره ازدواج با حضرت فاطمه (علیها‌السلام) پرسید، ایشان پاسخ دادند: «نعم العون علی طاعة الله»؛ یاور خوبی برای من در اطاعت از خداست. بحارالانوار، ج 43، ص 117)

2. درجه بندی ملاک‌های انتخاب همسر:

در فرهنگ دینی، مهم‌ترین ملاک برای انتخاب همسر، ایمان و اخلاق است و ملاک‌های دیگر از اهمیت کمتری برخوردارند. (پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمودند: کسی که از دین و اخلاق خوبی برخوردار است، اگر به خواستگاری دخترتان آمد، به او همسر بدهید؛ زیرا اگر نین نکند، فتنه و فساد بزرگی در زمین ایجاد کرده‌اید. وسائل العشاء، ج 20، ص 86) این در حالی است که در جامعه کنونی ما، ملاک‌هایی همچون مدرک، ثروت، دست و مقام و به طور کلی، مظاهر مادی بیشترین اهمیت را دارند. به همین دلیل، تمام تلاش جوانان این شده است که از هر راهی، امتیازات مزبور را به دست آورند و از این طریق، به مقبولیت اجتماعی کافی برسند. اما به دلیل آنکه رسیدن به این ملاک‌ها، زمان زیادی می‌طلبد، به ناچار از ازدواج در ابتدای جوانی محروم می‌شوند و بدین روی، سن ازدواج افزایش می‌یابد. اگر مسئولان فرهنگی کشور ارزش‌های واقعی را، که ایمان و اخلاق در صدر آن است ترویج کنند، نه تنها سن ازدواج کاهش پیدا می‌کند، بلکه بسیاری از مشکلات دیگر نیز حل خواهد شد.

3. سترش فرهنگ حجاب:

در جامعه‌ای که فرهنگ «حجاب» حاکم باشد و رابطه با نامحرم طبق موازین شرعی باشد و از اختلاط‌های مضر و فساد انگیز بین سر و دختر رهیز شود، زمینه برای ارضای نامشروع نیازهای جنسی بسیار کم می‌شود و در نتیجه، تمتعات جنسی منحصر به خانواده و ازدواج می‌گردد. همین امر موجب می‌شود احساس نیاز به ازدواج در جوانان افزایش یابد و آنها زودتر ازدواج کنند. اگر فرهنگ حجاب کم رند شود و سران و دختران محدودیت زیادی در ارتباط با یکدیگر نداشته باشند، انگیزه آنان برای ازدواج کاهش می‌یابد و در نتیجه، سن ازدواج بالا می‌رود؛ ننان که یکی از علل فرار جوانان غرب از ازدواج همین موضوع است؛ زیرا ازدواج را مانع آزادی بی حد و حصر خود می‌بینند.

4. سترش فرهنگ قناعت و ساده زیستی:

اگر در جامعه ساده زیستی و استفاده از حداقل امکانات مادی ارزش برود یا - دست کم - ضد ارزش نباشد، سن ازدواج کاهش پیدا میکند؛ اما اگر داشتن خانه و اتومبیل مدل بالا و امکانات مادی ارزش شود و چشم و هم‌چشمی‌های زیان‌آور دسترس یابد، جوان امروزی ما ناچار است به دنبال تهیه آن برود و تا وقتی آن را تهیه نکرده است، ازدواج نکند. در نتیجه، از داشتن خانواده در سن جوانی، محروم می‌ماند.

5. ازدواج در خلال تحصیل:

همان‌گونه که گفته شد، یکی از عوامل افزایش پیدا کردن سن ازدواج، تحصیل است. اگر به گونه‌ای برنامه‌ریزی شود که دانشجویان قادر باشند در خلال تحصیل، ازدواج کنند، سن ازدواج در بین این قشر، که مهم‌ترین و حسّاس‌ترین بخش جامعه هستند، کاهش پیدا می‌کند.

این امر مشروط بر این است که خانواده‌ها اولاً، اهمیت موضوع را درک کنند و متوجه این موضوع باشند که خطرات بزرگی فرزندان دانشجوی آنها را تهدید می‌کند و به مشکلات روحی و روانی زیادی در اثر تأخیر ازدواج برای آنان به وجود می‌آید که با ازدواج کردن تمام یا بیشتر این مشکلات حل می‌شود؛ ثانیاً، با برنامه‌ریزی دقیق و هماهنگ و کمک دانش‌آه‌ها و دیگر مؤسسات فرهنگی به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که دانشجویان با حداقل امکانات بتوانند ازدواج کنند و در عین حال، درس خود را نیز ادامه دهند. جوان دانشجویی اگر امکان ازدواج داشته باشد، حتی به صورت ماندن در دوران عقد و نامزدی قبل از عروسی، هم از برکات مادی و معنوی ازدواج بهره‌مند می‌شود و هم با آنلیزه بیشتری درس و تحصیل را دنبال می‌کند. دانشجویی اگر احساس کند آینده روشنی دارد و می‌تواند مسئولیت زندگی را، که با ازدواج بر عهده او گذاشته شده است، به دوش کشد، کمتر به دنبال فعالیت‌ها و برنامه‌های غیر درسی و حتی ضد درسی می‌رود، بلکه تمام سعی و همت خود را صرف بهتر کردن زندگی و بالاتر بردن سطح آن می‌کند.

ب. راهبردهای اقتصادی

عوامل اقتصادی یکی از عمده‌ترین دلایلی است که جوانان برای تأخیر ازدواج خود مطرح می‌کنند. برای

اینکه این عامل مهم را کاهش بدهیم، در دو جهت باید برنامه ریزی کنیم:

1. حتی الامکان هزینه‌ها را کاهش بدهیم.

2. منابع اقتصادی و تولید ثروت را برای جوانان فراهم کنیم.

بنابراین، راهبردهای ذیل می‌توانند ما را در عملی ساختن دو هدف مزبور یاری دهند:

1. کاستن از هزینه‌های اضافی:

بسیاری از هزینه‌هایی که در زندگی صرف می‌شود، اعم از هزینه‌های جشن عقد و عروسی، یا جهیزیه، مسکن و سایر لوازم زندگی، ضرورت ندارد و امکان حذف یا کاهش آنها هست. اگر پدر و دختر و خانواده‌هایشان تصمیم بگیرند هزینه‌های غیرضروری را حذف کنند و به حداقل امکانات اکتفا نمایند، امکان ازدواج برای بیشتر جوانان فراهم می‌شود. اینکه جوانان ما یا خانواده‌هایشان این تصور را داشته باشند که در ابتدای زندگی، باید از همه یا بیشتر امکانات مادی برخوردار باشند و در برقراری مراسم عقد و عروسی، هزینه‌های سنگینی بر یکدیگر تحمیل کنند، نتیجه آن نخواهد داشت جز فرار جوانان از ازدواج.

2. همیاری در هزینه‌های ازدواج:

همان‌گونه که خداوند همه مردم جامعه را به یاری جوانان برای ازدواج و تشکیل زندگی دعوت می‌کند، همه افراد، بخصوص افراد متمول، وظیفه دارند در این امر خیر شرکت کنند. همچنین اگر ترتیبی داده شود که افراد نزدیک به خانواده پدر و دختر، به صورت یک رسم و عادت نیکو، بخشی از هزینه‌های ازدواج را به عهده بگیرند، کمک بزرگی به تحقق این هدف می‌شود. این پیشنهاد را ظاهر ساده می‌دارد، ولی در عمل، تأثیر شگفت‌انگیزی در هموار ساختن مسیر ازدواج جوانان از خود به جای می‌گذارد و چون این مشکل

عمومیت دارد و هر کسی خود را محتاج کمک مآبببند، همه مردم در این امر خیر شرکت خواهند کرد.

3. برداخت وام‌های قرض الحسنه برای ازدواج:

قرض الحسنه، که یکی از سنت‌های خوب و لله‌الشیای اسلامی است و در آیات فراوانی از قرآن بدان تشویق و تأکید شده، (سوره بقره، آله 245؛ سوره مائده، آله 12؛ سوره حدید آله 11 و 18، سوره تغابن، آله 17، سوره مزمل، آله 20) تأثیر فوق العاده‌ا در حل مشکلات اقتصادی جامعه دارد. این سنت حسنه، کمک زیادی به ازدواج جوانان و در نتیجه، کاهش سن ازدواج، خواهد شد.

4. تشویق به زندگی در کنار خانواده یکی از زوجین:

در زمان‌های گذشته اکثر جوانان، ابتدای زندگی خود را در کنار والدین‌شان آغاز مآکردند و به مرور زمان سعی مآکردند با بس انداز و امثال آن، از در و مادر خود جدا و مستقل شوند، الهر بتوان این فرهنگ را دوباره زنده کرد و جوانان و خانواده‌هایشان را به پذیرش این امر تشویق کرد، کمک زیادی به حل مشکل ازدواج مآشود.

ج. راهبردهای اجتماعی

به دلیل آنکه جامعه مجموعه‌ا از واحدهای کوچک تر به نام «خانواده» است، بهترین جای‌ااه کمک به ایجاد خانواده و فراهم ساختن ازدواج جوانان، خود جامعه است. از این‌رو، برای حل مشکل ازدواج جوانان و جلوگیری از افزایش سن ازدواج، الهرا اله جز همکاری و همیاری همه افراد و آحاد جامعه نیست. راهبردهای اجتماعی، که مآتوان در این زمینه ارائه داد، به قرار ذیل است:

1. فراهم کردن شرایط ازدواج آسان:

دولت مردان و متصدیان امور اجتماعی وظیفه دارند به عنوان انجام يك کار جدی، برنامه دقیقی برای حل این مشکل ارائه دهند. همچنین با تشویق مردم، بخصوص افراد متمول، جوانان را در این امر یاری دهند. مسلماً اگر دولت و مسئولان امر، قدمی در این راه بگذارند، همه مردم به کمک آنها مشتابند؛ زیرا این يك مشکل همگانی است و همه افراد به گونه‌ای با آن درگیرند.

2. استرس مراکز مشاوره ازدواج:

یکی از دلایلی که جوانان را از ازدواج دور کرده، نداشتن اطلاعات صحیح از ازدواج و وجود بدبینی‌های بی‌امورد است. بسیاری از جوانان نسبت به اصل ضرورت ازدواج بی‌اطلاعند و برخی هم از افکار ناصحیح و خرافی در این زمینه رنج می‌گیرند. وجود مراکز مشاوره ازدواج کمک شایانی به جوانان می‌کند و دغدغه‌های بی‌مورد آنان را برطرف می‌سازد.

3. کنترل مهاجرت روستاییان به شهرها:

از بین تمام خسارت‌ها و ضررهایی که در مهاجرت روستاییان به شهر وجود دارد، مشکل افزایش سن ازدواج، جایگاه ویژه‌ای دارد. اگر بتوان با افزایش امکانات زندگی در روستاها و ایجاد اشتغال برای آنان، از مهاجرت آنها جلوگیری کرد و آنان را به ماندن در روستا و تولید محصولات کشاورزی و دامی و امثال آن تشویق نمود، علاوه بر حل بسیاری از مشکلات اجتماعی، از افزایش سن ازدواج نیز جلوگیری خواهد شد.

4. جلوگیری از بی بند و باری و ابتذال و فساد اخلاقی:

یکی از راه‌های پیشرفت جامعه، پیاده کردن قانون اساسی و جلوگیری از متخلفان و برهم زدن نظم و قانون است. اگر از فساد و ابتذال، بخصوص در حوزه اخلاق و مسائل جنسی، جلوگیری نشود و با افراد متخلف برخورد جدی صورت نگیرد و در مقابل تهاجم و شیخون فرهنگی دشمن، سیاست تسامح و تساهل

اجرا شود، جامعه زنان دچار آشفتگی می‌شود که اولین ضرر آن متوجه نهاد مقدس خانواده می‌شود و جایگاه آن را تضعیف می‌کند. امروز کم نیستند جوانان ناک و مؤمنی که شریک زندگی مناسبی برای خود نمی‌یابند. تأثیر مخرب سترش فساد و فحشا و ابتذال و بخصوص مواد مخدر بر تزلزل کانون خانواده و بدبینی جوانان به ازدواج، لیزی نیست که بر کسی پوشیده باشد. اگر متصدیان اجتماع برای مبارزه با مفاسد اخلاقی کمر همت ببندند و این دام‌های خطرناک را از جلوی جوانان بردارند، برکات زیادی نصیب جامعه کرده‌اند که یکی از آنها هموار شدن راه ازدواج جوانان است.

نتیجه گیری

با توجه به آثار جسمانی، روانی، اجتماعی و فرهنگی ازدواج، باید موانع پیش روی را برطرف نمود و تمام تلاش خود را صرف کرد تا این سنت الهی در اوایل جوانی به انجام برسد و جوانان از فواید بی‌شمار آن برخوردار شوند و در یک زندگی بالنده و بانشاط و به دور از دغدغه و انحراف، قرار گیرند. این مهم با همت مردم و خانواده‌ها و مسئولان فرهنگی و اقتصادی کشورها از طریق فرهنگ سازی، مبارزه با اعتقادات غلط، کاهش تجمل‌گرایی، احساس مسئولیت بیشتر در رابطه با جوانان، کمک مالی و معنوی به فرزندان، پیروی از دستورات دینی، اختصاص منابع مالی بیشتر به ازدواج جوانان، و تشویق و ترغیب به ازدواج حاصل می‌آید.

منابع نوشتارها

اسلام و جامعه شناسی خانواده؛ بستان، حسین؛ قم، وهشکده حوزه و دانش؛ 1383.

بحار الانوار؛ مجلس؛ محمدباقر، بیروت؛ مؤسسه الوفاء؛ 1403.

مجله اصلاح و تربیت، ش 63 (فروردین 1379)، ص 13.

محجّة البيضاء؛ فیض کاشانی، مولى محسن؛ قم، جامعه مدرسین.

میزان الحکمہ؛ محمدی ری شهری، محمد، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، 1362.

نورالثقلین؛ عبدالعلی بن جمعه حویزی، قم، اسماعیلیان، 1370.

وسائل الشیعه؛ عامل؛ شیخ حرّ؛ قم؛ مؤسسه آل البيت.

. Spanier, Graham B. (1991), "Cohabitaion: Recent Changes in the U.S." in John Edwards and David H. Demo (ed) morriage and Family in Transition, Boston and London: Allyn and Bacon.

به نقل از: ماهنامه معرفت، سال شانزدهم، شماره اول، فروردین 1386